

پانیوم - شماره هفده

امر و رؤیا: دو خط نبوت دانیال و مهرگشایی کتاب مکاشفه

Jeff Pippenger

2026-02-22

در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، نخستین نومیدی جنبش یکصد و چهل و چهار هزار نفر فرا رسید. این امر در درون «تاریخ پنهان» آیه چهلیم باب یازدهم دانیال رخ داد. آن نومیدی در بخش پیشرفته همان «تاریخ پنهان» رخ داد—تاریخی که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹ آغاز شد. آیه چهلویکم نمایانگر قانون یکشنبه در ایالات متحده است، که در آیه شانزدهم همان باب نیز بازنمود یافته است. «مهرگشایی» حقایقی که «تاریخ پنهان» آیه چهل را تشکیل می‌دهند، در سال ۲۰۲۳، توسط دانیال در باب دوازدهم ارائه می‌شود. باب‌های دهم تا دوازدهم یک رؤیای واحدند، و این رؤیا با شناسایی این نکته آغاز می‌شود که دانیال نماینده «حکیمان» است؛ آنان که پیام‌های درونی و بیرونی نبوت را درمی‌یابند، که در آنجا به صورت «امر» و «رؤیا» بازنموده شده است.

در سال سوم کوروش پادشاه پارس، امری به دانیال، که نامش بلطشصر بود، مکشوف شد؛ و آن امر راست بود، اما زمان مقرر طولانی بود؛ و او آن را فهمید و رؤیا را درک کرد. دانیال ۱۰:۱.

دو رؤیا

«امر» و «رؤیا» نمایانگر رؤیت‌های درونی و بیرونی نبوت‌اند، و دانیال نماینده قومی است که هر دو را درمی‌یابند، زیرا هر دو، «امر» و «رؤیا»، در باب دهم بر دانیال «مکشوف» شدند. در همان باب، در روز بیست‌ودوم، رؤیای مسیح در قدس بر دانیال «مکشوف» گردید. واژه عبری‌ای که به «امر» ترجمه شده، در باب نهم به «موضوع» ترجمه شده است، و در همان‌جا نیز در ارتباط با «رؤیا» آمده است.

در آغاز تضرعات تو فرمان صادر شد و من آمده‌ام تا تو را آگاه سازم؛ زیرا تو بسیار محبوبی. پس امر را بفهم و رؤیا را ملاحظه کن. دانیال ۹:۲۳

واژه «thing» در باب ده همان واژه‌ای است که در آیه بیست‌وسوم باب نه به «matter» ترجمه شده است. در رؤیای واپسین دانیال، در باب‌های ده تا دوازده، «thing» باب یازده یا «matter» باب ده هر دو با «vision» پیوند دارند. «vision» همان واژه عبری «mareh» است و به معنای «ظهور» می‌باشد. دانیال در کتاب خود دو «vision» را معرفی می‌کند، هرچند یکی از آن دو «vision» یک‌بار در هیئت مؤنث و بار دیگر در هیئت مذکر عرضه می‌شود. دانیال در آیه یک باب ده از زمره کسانی است که با «vision» ظهور و نیز «matter» یا «thing» را می‌فهمند. در باب هشت، دانیال دو «vision» را که با یکدیگر پیوند دارند، معرفی می‌کند. در متن انگلیسی، واژه vision هشت بار در این باب آمده است، و یکی از واژه‌های عبری ترجمه شده به «mareh» «mareh» است و دیگری «mareh» «mareh» به معنای «ظهور» است و «chazon» به معنای «خواب، مکاشفه یا پیام غیبی». سیاق باب هشت نشان می‌دهد که هرگاه واژه «mareh» به «vision» ترجمه می‌شود، مراد، «ظهور مسیح» است.

برای نمونه، این همان «ماره» یا «رؤیای ظهور» در دانیال ۸:۱۴ است، بدین معنا که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ مسیح ناگهان در هیکل ظاهر شد تا نبوت «فرستاده عهد» در ملاکی باب سه تحقق یابد؛ امری که خواهر وایت گفت در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تحقق یافت. هنگامی که خواهر وایت تصریح کرد که فرشته باب ده مکاشفه که فرود آمد و یک پا بر زمین و یک پا بر دریا نهاد، «نه شخصیتی فروتر از خود عیسی مسیح» بود، او نشانه راهی در نبوت را که در آن مسیح ظاهر می‌شود، معین می‌کرد. این یکی از

ظهورات بسیار اوست. بنابر رساله یهودا، او در رستاخیز موسی ظاهر شد. در آنجا به هیئت میکائیل رئیس فرشتگان ظاهر شد، اما با این همه، آن نیز ظهوری نبوی بود. رؤیای «ماره» در باب هشت نیز موافق معنایش به «ظهور» ترجمه می‌شود.

و چنین شد که چون من، خود دانیال، رؤیا را دیدم و در پی فهم آن برآمدم، آنگاه اینک کسی به هیأت مردی پیش رویم ایستاده بود. دانیال ۸:۱۵.

قرینه متن در اینجا نشان می‌دهد که این فرشته جبرئیل بود که «هیئت انسانی» داشت، و واژه «هیئت» همان «ماره» است، یعنی رؤیت ظهور مسیح؛ زیرا همان‌گونه که مسیح به وسیله میکائیل رئیس فرشتگان و نیز به وسیله فرشته نیرومند مکاشفه باب ده نمایانده می‌شود، مسیح در سطح نبوی با نمادهای فرشتگان، و حتی انسان‌ها، قابل جایگزینی است. خواه جبرئیل مذکور در آیه باشد، خواه مسیح مکاشفه باب ده، یا میکائیل رئیس فرشتگان؛ هر یک نماینده پیامی‌اند، و از همین‌رو خواهر وایت فرشتگان مکاشفه را هم با پیامی که نمایندگی می‌کنند و هم با کسانی که آن پیام نمایندگی شده به وسیله فرشتگان را اعلام می‌کنند مقایسه می‌کند. این حقیقت به قدری مهم است که در سه آیه نخست باب نخست مکاشفه—همان سه آیه که گشوده شدن مهر مکاشفه عیسی مسیح را، درست پیش از بسته شدن مهلت، زیرا «زمان نزدیک است»، اعلام می‌کنند—فرایند ارتباطی خدا با انسان به صراحت چنین معرفی می‌شود: پیامی از پدر، که به پسر داده شد؛ سپس پسر آن پیام را به فرشته‌ای می‌سپارد؛ آنگاه فرشته آن را به انسانی می‌رساند؛ و او نیز آن را به کلیساها می‌فرستد. هر گام از این فرایند ارتباطی مقدس و قدسی است، و آن قداست تقدیس شده در نشان‌گاه‌های نبوی‌ای نمایان می‌گردد که در آن‌ها مسیح یا به‌شخصه ظاهر می‌شود، یا از طریق فرشته، انسان، یا پیام. هرگاه او خود را مستقیماً در یک نشان‌گاه مرتبط سازد، آن «ماره»، یعنی «رؤیت ظهور»، است.

مکاشفه عیسی مسیح، که خدا آن را به او داد تا به بندگان خود چیزهایی را که به‌زودی باید واقع شود بنمایاند؛ و آن را به وسیله فرشته خویش به بندهاش یوحنا فرستاد و با نشانه‌ها به او اعلام کرد؛ که او به کلام خدا و به شهادت عیسی مسیح و به همه آنچه دید، گواهی داد. خوشا به حال آن‌که می‌خواند و آنان که سخنان این نبوت را می‌شنوند و آنچه را که در آن نوشته شده نگاه می‌دارند، زیرا زمان نزدیک است. ... و به من می‌گوید: سخنان نبوت این کتاب را مهر مکن، زیرا زمان نزدیک است. هر که ستمکار است، همچنان ستمکار باشد؛ و هر که ناپاک است، همچنان ناپاک باشد؛ و هر که عادل است، همچنان عادل باشد؛ و هر که مقدس است، همچنان مقدس باشد. مکاشفه ۱:۱-۳؛ ۱۰:۲۲، ۱۱.

در باب هشتم، «chazon» واژه عبری دیگری است که به «رؤیا» ترجمه می‌شود. در ارتباط با «نما»، رؤیای «marah» یک نشانه راه را معین می‌کند و رؤیای «chazon» یک دوره زمانی نبوی را مشخص می‌سازد. میان آن دو واژه که در باب هشتم به «رؤیا» ترجمه شده‌اند، تقارنی الهی برقرار است؛ بدین معنا که واژه عبری «mareh» نیز نزد دانیال با صورت مؤنث آن، یعنی «marah»، به کار رفته است. اما درباره «chazon»، دانیال آن را به دو شیوه بازمی‌نماید؛ نه از راه تقابل مذکر و مؤنث، بلکه با دو واژه که همان معنا را مشخص می‌کنند، و بدین‌سان، به‌گونه‌ای تصاعدی گسترش می‌یابند.

«chazon» به معنای «رؤیا»، یا «گفتار و حیانی»، یا «نبوت» است؛ و واژه‌ای که در انگلیسی به «matter» یا «thing» ترجمه می‌شود، واژه عبری «dabar» است که به معنای «کلام» است. چون فهمیده شود که رؤیای «chazon» نیز نزد دانیال با واژه «dabar» بازمی‌نماید می‌شود، آن‌گاه این دو در کنار هم نمایانگر پیام‌های نبوی کلام خدا هستند. دانیال همواره «dabar» یا «chazon» را در تقابل با «mareh» می‌نهد. آنگاه که در سطح نبوی نگریسته شود، «پیام‌های نبوی کلام خدا» - چنان‌که به وسیله «dabar» و «chazon» نمایانده می‌شوند - چون با رؤیای «marah» از ظهور مسیح در کنار هم قرار گیرند، آنگاه نشانه‌های راه مقدس تاریخ نبوی کلام خدا را خواهید داشت. سپس اگر «marah»، وجه

مؤنث واژه «mareh»، را به طیف معانی رؤیا در دانیال بیفزایید، «رؤیای آینه‌گون» عادل‌شمردگی به وسیله ایمان را خواهید داشت.

در آخرین رؤیای دانیال، که در سه فصل پایانی کتاب او بازنموده شده است، دانیال نماینده قومی در ایام آخر است که «رؤیاهای نبوی» «کلام خدا» و قداست نشان‌های راه مقدسی را درمی‌یابند که جنبش اصلاحی یکصد و چهل و چهار هزار را تشکیل می‌دهند؛ زیرا آنان همان کسانی‌اند که مطابق کلام نبوی مقدس او، بره را هر جا که می‌رود، پیروی می‌کنند. و چون بره را پیروی می‌کنند، او ایشان را به رؤیای آینه‌سان دانیال ۱۰:۷ رهبری می‌کند؛ جایی که یا برای پنهان شدن زیر گمراهی می‌گریزند—آنجا که تا به ابد مدفون می‌گردند—یا در خاک فروتن می‌شوند، عادل شمرده می‌شوند و توان می‌یابند تا پیام نبوی ایام آخر را اعلام کنند.

جبرئیل به دانیال فرمان می‌دهد که هم «امر» و هم «رؤیا» را «درک کند». واژه عبری ترجمه شده به «درک کردن» به معنای «ایجاد تمایز ذهنی» است. دانیال، که نماینده من و شما، ای خواننده عزیز، است، مأمور شد تفاوت و تمایز میان «امر» و «رؤیا» را دریابد. رؤیای «chazon» نمایانگر خط بیرونی تاریخ نبوی است و رؤیای «mareh» نمایانگر ظهور مسیح است. «امر» و «چیز» همان واژه عبری «dabar» است که به معنای «کلام» است. عیسی «dabar» است، زیرا او «کلام» است. «چیز» و «امر»، که هر دو «dabar»‌اند، در ارتباط با رؤیای ظهور مطرح می‌شوند.

دبر که همان امر و شیء است، نیز همان رؤیای خازون فصل هشتم است و رؤیای تاریخ نبوی را نمایندگی می‌کند. هر یک از آن بازنمایی‌ها (خازون، دبر، امر و شیء) خط بیرونی نبوت را مشخص می‌کنند، و ماره، و صورت مؤنث آن مراه، خط درونی نبوت را نمایندگی می‌کنند. قوم خدا در ایام آخر، که در آیه یک فصل ده دانیال بازنمایی شده‌اند، هر دو خط درونی و بیرونی تاریخ نبوی را درمی‌یابند. در کتاب مکاشفه، خط درونی با هفت کلیسا و خط بیرونی با هفت مهر نمایانده شده است.

هنگامی که دانیال پس از روزه‌ای بیست و یک روزه رؤیای مسیح را دید، صورت مؤنث رؤیای «mareh» را مشاهده کرد. «mareh» به معنای «ظهور» است و وقتی دانیال مسیح را دید، رؤیای «marah» را دید؛ و با آن که «mareh» به معنای ظهور است، صورت مؤنث همان واژه به معنای «آینه» است. خواهر وایت می‌گوید رؤیایی که دانیال دید همان رؤیایی بود که یوحنا دید، و یوحنا آن رؤیا را هنگامی دید که مسیح در قدس آسمانی بود.

در زمان دیدار جبرئیل، پیامبر دانیال نتوانست تعلیمات بیشتری دریافت کند؛ اما چند سال بعد، چون می‌خواست درباره موضوعاتی که هنوز به طور کامل توضیح داده نشده بودند بیشتر بداند، بار دیگر بر آن شد که از خدا نور و حکمت بطلبد. 'در آن روزها من، دانیال، سه هفته کامل در سوگ بودم. هیچ نان مطبوعی نخوردم، نه گوشت و نه شراب به دهانم آمد، و اصلاً روغن بر تن خود نمالیدم.... سپس چشمانم را بالا بردم و نگریستم، و اینک مردی را دیدم که جامه کتان بر تن داشت و کمرش با طلای خالص اوفاز بسته شده بود. پیکرش نیز همچون سنگ بریل بود، و چهره‌اش به سان برق، و چشمانش چون چراغ‌های آتشین، و بازوان و پاهایش به رنگ مفرغ صیقل خورده؛ و آواز سخنانش همچون صدای جمعیتی انبوه.'

نه شخصیتی کمتر از پسر خدا، بلکه خود پسر خدا بر دانیال ظاهر شد. این توصیف به آنچه یوحنا هنگامی که مسیح در جزیره پاتموس بر او ظاهر شد بیان کرد، شباهت دارد. اکنون خداوند ما با فرشته آسمانی دیگری می‌آید تا به دانیال بیاموزد که در روزهای آخر چه رخ خواهد داد. این معرفت به دانیال داده شد و به الهام الهی برای ما، که پایان جهان بر ما فرا رسیده است، ثبت گردید.

حقایق عظیمی که فادی جهان آشکار ساخته است، از آن کسانی است که حقیقت را همچون گنج‌های نهفته می‌جویند. دانیال مردی سالخورده بود. زندگی او در میان افسونگری‌های یک دربار بت‌پرست سپری شده بود، و اندیشه‌اش از امور امپراتوری‌ای عظیم گرانبار بود؛ با این همه از همه اینها روی برتافت تا جان خویش را در حضور خدا رنج دهد و در پی شناخت مقاصد خدای متعال برآید. و در پاسخ به تضرعات او، نوری از دربارهای آسمانی برای کسانی که در روزهای واپسین خواهند زیست، مکشوف گردید. پس با چه جدیتی باید خدا را بجوییم تا فهم ما را بگشاید تا حقایقی را که از آسمان برای ما آورده شده‌اند دریابیم. ۸، Review and Herald، فوریه ۱۸۸۱.

صد و چهل و چهار هزار

دانیال «امر» و «رؤیا» را درمی‌یابد و از او هم به نام دانیال و هم به نام بلطشصر یاد می‌شود. تغییر نام در نبوت نمایانگر رابطه عهدی است؛ از این رو دانیال نماینده قوم نهایی عهد است، یعنی همان صد و چهل و چهار هزار نفری که به وسیله رؤیای مسیح در هیکل آزموده می‌شوند. آن آزمون موجب جدایی دو طبقه از عابدان می‌گردد.

و من، دانیال، تنها آن رؤیا را دیدم؛ زیرا مردانی که با من بودند آن رؤیا را ندیدند؛ لیکن چنان لرزشی عظیم بر ایشان افتاد که گریختند تا خویشتن را پنهان سازند. دانیال ۱۰:۷.

دانیال به طور مستقیم آزمون دوم و آزمون هیکل را که با قوم خدا در ایام آخر پیوند دارد شناسایی می‌کند؛ آزمونی که مبتنی است بر رؤیت مسیح در قدس آسمانی. رؤیای آیه هفتم صورت مؤنث رؤیای mareh است که به صورت رؤیای marah بازنمایی شده است. اگر به رؤیای هیکل مسیح، چنان‌که پاسخ دانیال آن را بازنمایی می‌کند، پاسخ گویی، «چیز» نبوی و «رؤیای» نبوی بر تو «مکشوف» خواهد شد.

اگر کسی در مواجهه با همان رؤیای هیکل مسیح به قصد پنهان شدن بگریزد، به تاریکی ابدی درمی‌افتد. آزمون هیکل، که دومین آزمون از سه مرحله انجیل جاودانی است، مسبق به آزمون نخستین و بنیادین است. پرسش آزماینده بنیادها در آیه چهاردهم باب یازدهم دانیال بازنموده شده است؛ در آنجا، روم به منزله «راهزنان قوم تو» که «رؤیا» را تثبیت می‌کنند، معرفی شده است.

زمان نزدیک است

سه روز و نیم پس از سرخوردگی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، مهرگشایی مکاشفه عیسی مسیح آغاز شد، زیرا «زمان نزدیک بود».

خوشا به حال آن‌که می‌خواند، و آنان که سخنان این نبوت را می‌شنوند و آنچه در آن نوشته شده است را حفظ می‌کنند؛ زیرا زمان نزدیک است. ... و به من گفت: سخنان نبوت این کتاب را مهر مکن، زیرا زمان نزدیک است. مکاشفه ۱:۱۰؛ ۲۲:۱۰

«زمان»ی که برداشته شدن مهر از مکاشفه عیسی مسیح را مشخص می‌کند، در آغاز کتاب مکاشفه مورد اشاره قرار گرفته است؛ و در پایان کتاب، همان اعلان، با سخن «امگا»، بر سخن «آلفا» افزوده می‌شود.

مهر مکاشفه عیسی مسیح اندکی پیش از پایان مهلت فیض گشوده می‌شود. در روز بیست و دوم، پس از روزه‌ای بیست و یک روزه، آن «چیز»، که همان «امر» نیز هست، که همان dabar یا «کلمه» نیز هست، که همان رؤیای chazon تاریخ نبوی بیرونی نیز هست، بر دانیال مکشوف شد، آنگاه که او رؤیای آینه‌گون marah از کاهن اعظم آسمانی را در قدس‌الاقداص تجربه می‌کرد.

دانیال نمایندهٔ کسانی است که تجربهٔ مکاشفهٔ آینه‌گون را دارند، و نیز ظهورات نبوی مسیح و تاریخ بیرونی بازنموده در مکاشفهٔ chazon را درمی‌یابند. مکاشفهٔ marah، مسیح را به منزلهٔ نشانهٔ راه نبوی می‌نمایاند، و صورت مؤنث همان واژه نمایانگر تجربه‌ای است که از مشاهدهٔ جلال خدا حاصل می‌شود، چنان‌که در دانیال، یوحنا، اشعیا، خواهر وایت و دیگر انبیا نمایانده شده است.

در این سطح، بینش بیرونی حازون نمایانگر آزمون بنیادین است، و بینش ماره در باب ظهورهای مسیح در توالی رویدادهای نبوی، آزمون هیکل به‌شمار می‌آید. آیا مسیح در قدس‌الاقداص، در درون قدس‌الاقداص خود تو، ظاهر شده است؟ آنجاست که الوهیت با انسانیت پیوند می‌خورد. این همان آزمونی است که باید از آن گذر کرد، پیش از آن‌که مهلت، در محک لیتموس، بسته شود. محکی که سرشت را آشکار می‌گرداند، بینش آینه‌گون ماره است.

در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، آزمون بیرونی بنیاد در خصوص عبارت «غازتگران قوم تو» در آیهٔ چهاردهم آغاز شد، و هنگامی که پاپ کنونی در ۸ مه ۲۰۲۵ رسماً به منصب خویش درآمد، «رؤیا»ی آیهٔ چهاردهم استوار گردید. آزمون بنیاد به آزمون هیکل منتقل شد. از ۹ مه ۲۰۲۵ آزمون هیکل در جریان است. قیام دو شاهد در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ در آیهٔ یازدهم از باب یازدهم مکاشفه به تصویر کشیده شده است، و قیامی که در آن تاریخ آغاز شد، در دورهٔ جنگ اوکراین روی داد؛ جنگی که در ۲۰۱۴ آغاز گردید و در ۲۰۲۲ تشدید یافت. خطوط بیرونی و درونی نبوت در آن تاریخ با یکدیگر تلاقی کردند. در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، کار پی‌ریزی بنیاد در دست انجام بود؛ کاری که به‌وسیله تاریخ ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۰، و نیز ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴، و نیز از ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تمثیل شده است.

آیهٔ یازدهم از باب یازدهم کتاب دانیال، به منزلهٔ خط بیرونی نبوت در تاریخ پدیدار شد و با همان تاریخی که خط درونی باب یازدهم کتاب مکاشفه را تشکیل می‌دهد، پیوند یافت. در سال ۲۰۱۴، جنگ اوکراین آغاز شد، چنان‌که به‌نحو نمادین در نبرد رافیا در سال ۲۱۷ پیش از میلاد ممثل گردیده است. در سال ۲۰۱۵، آن «پادشاه چهارم و بسی ثروتمندتر» آیهٔ دوم باب یازدهم دانیال برخاست و قصد خود را برای نامزدی منصب ریاست‌جمهوری اعلام کرد. آن اعلان، جهانی‌گرایان اژدهاصفت را—که به منزلهٔ قلمرو یونان نمایانده شده‌اند—به خشم آورد.

مکاشفهٔ باب یازدهم، آیهٔ یازدهم، سی‌ویکم دسامبر ۲۰۲۳ را به منزلهٔ زمان رستاخیز دو شاهد مشخص کرد. آنگاه دورهٔ میان ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ به‌عنوان «بیابان»ی نبوی شناخته شد. در پایان «دوران بیابان»، در ژوئیهٔ ۲۰۲۳، بانگی برخاست، و سپس، دقیقاً هزار و دویست و شصت روز پس از پیشگویی ناموفق نشویل در ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰، شیر سبط یهودا به مهرگشایی از کلام نبوی خویش آغاز کرد. مهرگشایی از کلام نبوی خدا همواره فرایندی سه‌مرحله‌ای از آزمون پدید می‌آورد، چنان‌که در کتاب دانیال، باب دوازدهم، بیان شده است.

بسیاری پاک خواهند شد، سفید خواهند شد و آزموده خواهند شد؛ اما شیران شرارت خواهند ورزید، و هیچ‌یک از شیران نخواهند فهمید؛ اما خردمندان خواهند فهمید. دانیال ۱۲:۱۰

در مکاشفهٔ باب نوزدهم، عروس خود را مهیا می‌کند و سپس به او جامه‌ای سفید عطا می‌شود. آن جامه‌های سفید نمایانگر آمادگی عروس‌اند، و این امر در مکاشفهٔ باب نوزدهم رخ می‌دهد، آنگاه که پنجره‌های آسمان گشوده می‌گردند. پیش از آن‌که عروس با ردای پارسایی مسیح سپید گردد، نخست تطهیر می‌شود.

در سی و یکم دسامبر ۲۰۲۳، آزمون بنیان‌ها آغاز شد تا آنان را که باید پاک باشند، تطهیر نماید. آن تطهیر به‌وسیلهٔ افزونی معرفت تحقق می‌یابد، زیرا شیر قبیلهٔ یهودا در آن هنگام به مهرگشایی مکاشفهٔ نهایی خویش آغاز کرد. آن مکاشفهٔ این معنا را در بر دارد که او یگانه بنیانی است که می‌توان

نهاد. نفی حقیقت بنیانی دال بر این که روم «غارتگران قوم تو» است، به منزله نفی تنها بنیانی است که می‌توان نهاد.

در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، فرایند آزمونی آغاز شد که بی‌درنگ به جدایی دو گروه انجامید. شیر قبیله یهودا اکنون مهر را گشوده و آشکار کرده است که تحقق تاریخی آیه چهاردهم، ۸ مه ۲۰۲۵ بوده است، و بدین‌سان تشخیص میلر را مبنی بر اینکه «روم» نمادی است که منظر بیرونی نبوت را برقرار می‌کند، استوار داشت. هنگامی که ترامپ در ۲۰۲۴ بازگشت، آیه سیزدهم باب یازدهم دانیال را تحقق بخشید، سپس در آیه بعدی، ۲۰۲۵ را با انتخاب پاپ لئو نشان می‌نهیم. هر دو، ترامپ و همتای ضد مسیحی او، در ۲۰۲۵ تحلیل شدند.

تاریخ‌هایی که در این جنبش تعیین می‌کنیم، در اساس پس‌نگری قداست‌یافته‌اند. ما زمان پایان را 1989 می‌شناسیم؛ سپس رسمی‌سازی پیام در 1996 صورت گرفت. در 11 سپتامبر، پیام رسمی شده اقتدار یافت. در ارائه لوح‌های حقوق در 2012، که تا ژانویه 2013 ادامه یافت، شالوده‌ها نهاده شدند.

در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ نخستین سرخوردگی فرا رسید، سپس در ژوئیه ۲۰۲۳ ندایی در بیابان به فریاد برخاست، و در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ مهرگشایی مکاشفه عیسی مسیح آغاز شد و نخستین آزمون بنیادی بیرونی آغاز گردید.

در ۸ مه ۲۰۲۵، آزمون دوم درونی هیکل آغاز شد. سومین آزمون لیتموس در پیش است. آنجا آشکار خواهد شد که آیا نفس، روغن پیام نمایان شده در آزمون نخستین و بیرونی، و نیز روغن ملازم آزمون دوم درونی را دارد یا نه. ترتیب آزمون چنین است: بیرونی، سپس درونی، سپس تجربه.

خط درونی نبوت از نشانه‌های راه پیشینی که به‌تازگی ذکر کردم، تشکیل می‌شود. هر یک از آن نشانه‌های راه بر نشانه‌های راه همسان در تاریخ جنبش میلری منطبق است. 1798 به‌عنوان وقت انتها متناظر است با 1989، که آن نیز وقت انتها است. آنجا شیر سبط یهودا مهر از کلام خویش برداشت، زیرا او خود کلمه است. هنگامی که ادونتیسیم، با بازگشتن و هم‌سفره شدن با نبی دروغین بیت‌ئیل، در شورش بنیادین یریعام نقش نبی نافرمان را ایفا کرد، به استدلال‌های پروتستانیسیم سقوط کرده بازگشت که بر ضد تعیین ویلیام میلر از هفت زمان به کار رفته بودند. از این رو آنان به‌طور کامل—اگر اصلاً—در نمی‌یابند که چرا 1863 واپسین نشانه راه برای جنبش آلفای فرشتگان اول و دوم است.

از این‌رو، برای آنان هیچ معنایی ندارد که ۱۲۶ سال است، نمادی از ۱،۲۶۰؛ نمادی از «بیابانی» که تاریخ را از ۱۸۶۳ تا «وقت انتها» در ۱۹۸۹ دربرمی‌گیرد. در پایان چهل سال، یوشع جنبش را به سرزمین موعود رهبری کرد. در ۱۹۸۹، خداوند کار بیرون‌آوردن جنبش امگای خویش از «بیابان» ۱۸۶۳ تا ۱۹۸۹ را آغاز کرد، همان‌گونه که جنبش آلفا را از «بیابان» ۵۳۸ تا ۱۷۹۸ بیرون آورده بود.

در سال ۱۹۸۹، رؤیای نهر حدقل که نمایانگر سه فصل پایانی کتاب دانیال است، از مهر گشوده شد؛ چنان‌که رؤیای نهر اولای که نمایانگر فصول ۷ و ۸ و ۹ کتاب دانیال است، در سال ۱۷۹۸ از مهر گشوده شد. دویست و بیست سال پس از انتشار ترجمه کینگ جیمز کتاب مقدس، ویلیام میلر برای نخستین بار پیام خود را بر مبنای رؤیای نهر اولای منتشر کرد و بدین‌سان پیام او در سال ۱۸۳۱ صورت رسمی یافت؛ همچنان‌که پیام حدقل نیز برای نخستین بار در سال ۱۹۹۶ منتشر شد، دویست و بیست سال پس از ۱۷۷۶، که مبدأ پیدایش سرزمین جلال ایالات متحده بود.

صورت‌بندی رسمی پیام از سوی میلر، که دویست و بیست سال پس از ترجمه کینگ جیمز بود، ویلیام میلر را به‌عنوان نخستین فرستاده مقدس که برای پرپاداشتن احیا و اصلاح، نبوت‌های کتاب مقدس - هم عهد عتیق و هم عهد جدید - را به کار گرفت، معرفی می‌کند. کتاب مقدس الهی است و دویست و بیست سال بعد با انسان پیوند خورد تا پیام اولای را پدید آورد.

عیسی آلفا و امگا است، و او کلمه خداست؛ از این رو، انتشار ترجمه کینگ جیمز کتاب مقدس در سال ۱۶۱۱، عیسی را هم در ۱۶۱۱ و هم در ۱۸۳۱ قرار می‌دهد. مسیح در زمان پایان به صورت شیر قبیله یهودا ظاهر می‌شود، و آنگاه که پیام رسمیت می‌یابد، او آلفا و امگا و کلمه است. رابطه میلر با آغاز چنین شناخته می‌شود که هم آغاز و هم انجام بر نشر پیام تأکید می‌نهند. دوره ۱۷۷۶ تا ۱۹۹۶ نیز، هر چند متفاوت، همان خصایص را دارد.

پیام دجله، همان پیام قانون روز یکشنبه در ایالات متحده آمریکا است، چنان که در آیه چهار و یکم باب یازدهم دانیال بیان شده است. سال ۱۷۷۶ و انتشار اعلامیه استقلال، معرف نقطه آغاز دوره دویست و بیست ساله‌ای است که با انتشار نوشته‌ای که به مشیت الهی، نه از روی عمد، «زمان پایان» نام گرفت، خاتمه یافت. در همان سال، ۱۹۹۶، مؤسسه‌ای خدمتی با نام «آینده‌ای برای آمریکا» به ما عطا شد. پیام سرزمین جلال، یعنی ایالات متحده آمریکا، با برقراری پیوندی مستقیم میان آغاز و پایان نبوت، رسمیت یافت. هر نشانه راه عمده تاریخ میلریتی، تحت الگوی راهنمای مثل ده باکره تکرار شده است. هر دو دوره دویست و بیست ساله، آغازی و پایانی دارند که با انتشار یک اثر، نشان‌گذاری شده است.

پیام و روش‌شناسی میلر با تحقق نبوت مربوط به اسلام در وای دوم، تأیید و تقویت شد. آنچه خداوند برای اقتدار بخشیدن به پیام به کار گرفت، اصل «یک روز در برابر یک سال» میلر بود؛ و در ۱۱ سپتامبر نیز، اصلی پیام و روش‌شناسی را اقتدار بخشید، آنگاه که نزول فرشته باب هجدهم مکاشفه، نزولی را که در ۱۱ اوت ۱۸۴۰—چنان که در باب دهم مکاشفه نمایانده شده است—صورت گرفته بود، تکرار کرد. آن دو فرشته نمایانگر ظهوری نبوی از مسیح در صورت فرشته‌اند. اصلی که به همان اندازه برای جنبش ۱۱ سپتامبر بنیادین است که اصل «یک روز در برابر یک سال» برای جنبش ۱۱ اوت ۱۸۴۰ بنیادین بود، این است که تاریخ جنبش میلریتی در تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار تکرار می‌شود.

هنگامی که تحقق نبوتی درباره اسلام در وای سوم، که در تاریخ امگا و فرشته سوم فرا رسید، با تحقق نبوتی درباره اسلام در وای اول و دوم، که در تاریخ آلفا و فرشتگان اول و دوم فرا رسیده بود، همسو شد، اصل اینکه تاریخ میلریتی در تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار تکرار می‌شود، همان قدر استوار تأیید شد که اصل «روز به منزله سال» میلر در پیوند با وای اول و دوم باب نهم مکاشفه تأیید شده بود. برخی که نبوت زمانی سیصد و نود و یک سال و پانزده روز را که در مکاشفه ۹:۱۵ بیان شده است می‌شناسند، ممکن است نکته پیشین مرا درنیاوند. اجازه دهید توضیح دهم.

وای اول و دوم با تاریخ فرشته اول و فرشته دوم منطبق‌اند، و تاریخ وای سوم با تاریخ فرشته سوم منطبق است. نکته در اینجا است که نقطه آغاز سیصد و نود و یک سال و پانزده روزی که در تاریخ وای دوم بیان شده، در تاریخ وای اول یافت می‌شود. در تاریخ وای اول باب نهم مکاشفه، نبوتی یک‌صد و پنجاه ساله وجود دارد، و در همان روزی که آن دوره نبوی پایان می‌یابد، نبوت سیصد و نود و یک سال و پانزده روز آغاز می‌شود. این دو نبوت، وای اول و دوم را به‌طور مستقیم به یکدیگر پیوند می‌دهند؛ از این رو، هنگامی که بر اساس اصل «یک روز به ازای یک سال» نبوتی درباره اسلام پیش‌گویی شد، آن نبوت، نبوت وای اول و دوم اسلام بود، که همان پیامی بود که در تاریخ فرشته اول و دوم، روش‌شناسی و پیام میلر را تأیید کرد.

وقتی آن تاریخ در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به پایان رسید، کرنای هفتم به صدا درآمد، و کرنای هفتم هم «وای سوم» است و هم «راز دینداری»، یعنی «مسیح در شما، امید جلال». آن کرنا پیامی هشداردهنده بیرونی و پیامی هشداردهنده درونی است. به همین دلیل، نبوت ۲,۵۲۰ ساله با استراحت سال هفتم برای زمین، که یوبیل را نیز دربر می‌گیرد، مرتبط است. در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ کرنای هفتم در تحقق نبوت‌های ۲,۵۲۰ ساله و ۲,۳۰۰ ساله به صدا درآمد.

لیکن در ایام آواز فرشته هفتم، هنگامی که به دمیدن آغاز کند، سر خدا، چنان که آن را به بندگان خود، یعنی پیامبران، اعلام کرده است، به انجام خواهد رسید. مکاشفه ۱۰:۷.

۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ روز کفاره بود، و کرنای یوبیل می‌بایست در روز کفاره نواخته شود. از آن زمان، ما در تاریخ فرشته سوم، و نیز در تاریخ وای سوم که همان کرنای هفتم است، می‌زییم. در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، فرشته نیرومند مکاشفه باب دهم فرود آمد تا زمین را به جلال خویش منور سازد، همان‌گونه که فرشته باب هجدهم مکاشفه نیز در ۹/۱۱ چنین کرد.

در سال ۲۰۱۲ و تا ژانویه ۲۰۱۳، مجموعه‌ای با عنوان «لوح‌های حقوق» تولید شد و با انتشار نمودار پیشگام ۱۸۴۳ در مه ۱۸۴۲ هم‌راستا بود. سپس بنیادهای جنبش نهاده شدند؛ چه جنبش آلفای فرشته اول و دوم باشد، چه جنبش فرشته سوم، دو لوح حقوق در تاریخ و پیام درهم‌تنیده شدند. پیشگویی ناکام ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ با ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ موازی بود، و زمان تأخیر در مثل در جریان بود.

دوران بیابانی ۱۲۶۰ روزه با گشوده شدن مهر در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ به پایان رسید. نیکوست به یاد داشته باشیم که مسیح، چنان که به تعبیر خواهر وایت، دو بار هیکل خویش را از تنس کفرآمیز آن تطهیر کرد. او این کار را در آغاز و در پایان خدمت خویش انجام داد و بدین‌سان، آن دو تطهیر را آلفا و امگا گردانید.

خواهر وایت نخستین تطهیر هیکل را به روشنی با ۹/۱۱ و «صدای نخست» همسو می‌داند، که آن را سه آیه نخست مکاشفه باب هجده می‌شناسد. سپس «صدای دیگر» آیه چهارم را به منزله دومین تطهیر هیکل و نیز قانون یکشنبه معرفی می‌کند. ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ برای میلی‌ها نخستین تطهیر هیکل بود و ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ دومین آن. در چهل و شش سال از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، هیکل میلی برپا شد، و فراکتالی از برپایی هیکل میلی در تاریخ دو ناامیدی که هر دو نمایانگر تطهیرهای هیکل‌اند، دیده می‌شود. آن تاریخ ناظر به هیکل است.

از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، دوشیزگان در زمان تأخیر به خواب رفتند. چون بیدار شوند، به مسئولیت خویش برای نهادن بنیان و برپا داشتن هیکل آگاه می‌گردند. از آن زمان، مسیح، به منزله شیر سبط یهودا، در حال مهرگشایی نور نبوی بوده است، و نور نبوی مهرگشوده همواره فرایندی سه‌مرحله‌ای آزمون پدید می‌آورد که به آزمون لیتموس ختم می‌شود؛ جایی که سرشت ظاهر می‌گردد، اما هرگز پرورده نمی‌شود. در آزمون لیتموس، دوشیزگان وفادار افاضه‌ای از روح‌القدس دریافت خواهند کرد که از هر تجلی قدرت خدا در میان قوم خدا که تاکنون به ثبت رسیده، فراتر می‌رود. افزایشی در نور رخ خواهد داد که هرگز مشاهده نشده است. با این بیان، خط تاریخی دیگری عرضه خواهیم کرد که موازات تاریخ میلی را با تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار تأیید می‌کند.

اما تو، ای دانیال، این سخنان را پنهان دار و کتاب را تا زمان پایان مهر کن؛ بسیاری به این سو و آن سو خواهند شتافت و معرفت افزون خواهد شد. و گفت: برو به راه خود، ای دانیال، زیرا این سخنان تا زمان پایان بسته و مهر شده است. بسیاری پاک و سفید خواهند شد و آزموده خواهند گردید؛ اما شیران به شرارت خواهند پرداخت، و هیچ‌یک از شیران نخواهند فهمید، اما حکیمان خواهند فهمید. دانیال ۱۲:۴، ۹، ۱۰.

این موارد را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

تکینگی

ایلان ماسک در ۲۱ فوریه ۲۰۲۶ ادعا کرد که «ما اکنون در 'تکینگی' هستیم».

تکینگی فناوری

ی‌ضرف‌ی‌ا‌ه‌ط‌ق‌ن (دوش‌ا‌ی‌م‌ه‌د‌ن‌ا‌و‌خ «ی‌گ‌ن‌ی‌ک‌ت» ا‌ف‌ر‌ص‌ا‌ب‌ل‌ا‌غ‌ه‌ک) ه‌ن‌ا‌ر‌و‌ا‌ن‌ف‌ی‌گ‌ن‌ی‌ک‌ت‌ ی‌ع‌و‌ن‌ص‌م‌ش‌و‌ه‌ه‌ل‌ی‌س‌و‌ا‌ه‌ب‌ا‌ت‌د‌م‌ع‌ه‌ک—ه‌ن‌ا‌ر‌و‌ا‌ن‌ف‌ت‌ف‌ر‌ش‌ی‌پ‌ن‌آ‌ر‌د‌ه‌ک‌ت‌س‌ا‌ه‌د‌ن‌ی‌آ‌ر‌د‌ م‌ه‌ف‌و‌ل‌ر‌ت‌ن‌ک‌-و‌ر‌م‌ل‌ق‌ز‌ا‌ه‌ک‌د‌د‌ر‌گ‌ا‌ی‌م‌د‌ن‌م‌و‌ر‌ی‌ن‌و‌ن‌ا‌ب‌ا‌ت‌ش‌ن‌ا‌ن‌چ—دوش‌ا‌ی‌م‌ه‌د‌ر‌ب‌ش‌ی‌پ‌ ن‌د‌م‌ت‌ر‌د‌ف‌ر‌ژ‌و‌ی‌ن‌ی‌ب‌ا‌ش‌ی‌پ‌ا‌ل‌ب‌ا‌ق‌ر‌ی‌غ‌ی‌ا‌ه‌ا‌ی‌ن‌و‌گ‌ر‌گ‌د‌ه‌ب‌و‌د‌و‌ر‌ا‌ی‌م‌ر‌ت‌ا‌ر‌ف‌ن‌ا‌س‌ن‌ا‌ ز‌ا‌ی‌ا‌ه‌ن‌ا‌م‌ا‌س‌ه‌ک‌ا‌ن‌آ‌ض‌ح‌م‌ا‌ه‌ب‌:ت‌س‌ا‌«ش‌و‌ه‌ر‌ا‌ج‌ف‌ن‌ا» ،ی‌ر‌و‌ج‌م‌ه‌ش‌ی‌د‌ن‌ا‌.د‌م‌ا‌ج‌ن‌ا‌ی‌م‌ی‌ن‌ا‌س‌ن‌ا‌ ا‌ب‌ل‌ا‌غ‌ه‌ک) د‌ش‌ا‌ب‌ر‌ت‌د‌ن‌م‌ش‌و‌ه‌ا‌ه‌ن‌ا‌س‌ن‌ا‌ن‌ی‌ر‌ت‌د‌ن‌م‌ش‌و‌ه‌ز‌ا‌ه‌ک‌م‌ی‌ر‌و‌آ‌د‌ی‌د‌پ‌ی‌ع‌و‌ن‌ص‌م‌ش‌و‌ه‌ ه‌ن‌ا‌م‌ا‌س‌ن‌ا‌،(دوش‌ا‌ی‌م‌ه‌د‌ی‌م‌ا‌ن‌ASI ای (Artificial Superintelligence) «ی‌ع‌و‌ن‌ص‌م‌ش‌و‌ه‌ر‌ب‌ا» .ن‌ا‌م‌ز‌ر‌ه‌ر‌د‌ی‌ن‌ا‌س‌ن‌ا‌ه‌و‌ر‌گ‌ر‌ه‌ز‌ا‌ر‌ت‌ا‌ع‌ی‌ر‌س‌،د‌ه‌د‌د‌و‌ب‌ه‌ب‌و‌ی‌ح‌ا‌ر‌ط‌ز‌ا‌ب‌ا‌ر‌ن‌ت‌ش‌ی‌و‌خ‌د‌ن‌ا‌و‌ت‌ا‌ی‌م‌ ر‌د‌ا‌ه‌ا‌ی‌د‌ن‌م‌ن‌ا‌و‌ت‌ن‌آ‌ر‌د‌ه‌ک‌د‌ر‌و‌ا‌ی‌م‌د‌ی‌د‌پ‌ی‌ه‌د‌د‌و‌ب‌ه‌ب‌د‌و‌خ‌ز‌ا‌ی‌ت‌ش‌گ‌ز‌ا‌ب‌ی‌ا‌ه‌خ‌ر‌چ‌ر‌م‌ا‌ن‌ی‌ا‌ -ا‌ه‌ز‌و‌ر) ه‌ا‌ت‌و‌ک‌ت‌ی‌ا‌غ‌ا‌ه‌ب‌ی‌ن‌ا‌م‌ز‌ی‌ا‌ه‌ا‌ه‌ز‌ا‌ب‌-ا‌ه‌ا‌ت‌ع‌ا‌س‌>ر‌ب‌ا‌ر‌ب‌و‌د‌ی‌پ‌ر‌د‌ی‌پ‌(ا‌ه‌ا‌ق‌ی‌ق‌د‌> ی‌ا‌ه‌ا‌ن‌ا‌س‌ن‌ا‌» ی‌ا‌ر‌ب‌و‌د‌ز‌ا‌س‌ا‌ی‌م‌ی‌ر‌ا‌ج‌ف‌ن‌ا‌ا‌ر‌ی‌د‌ع‌ب‌ی‌ا‌ه‌ا‌ت‌ف‌ر‌ش‌ی‌پ‌و‌،د‌ن‌و‌ش‌ا‌ی‌م‌ ت‌ی‌ا‌د‌ه‌ا‌ی‌ی‌ن‌ی‌ب‌ا‌ش‌ی‌پ‌ا‌ر‌ن‌آ‌ی‌ر‌ا‌د‌ا‌ن‌ع‌م‌ر‌و‌ط‌ا‌ه‌ب‌ه‌ک‌د‌ن‌ک‌ا‌ی‌م‌ن‌ک‌م‌م‌ا‌ن‌«ی‌گ‌ن‌ی‌ک‌ت‌ا‌ش‌ی‌پ‌ ه‌ک‌ی‌ی‌ا‌ج‌؛ت‌س‌ا‌ه‌د‌ش‌ه‌ت‌ف‌ر‌گ‌م‌ا‌و‌ت‌ا‌ی‌ض‌ا‌ی‌ر‌و‌ک‌ی‌ز‌ی‌ف‌ز‌ا‌«ی‌گ‌ن‌ی‌ک‌ت» ح‌ا‌ل‌ط‌ص‌ا‌.د‌ن‌ن‌ک‌ و‌د‌س‌ر‌ا‌ی‌م‌ت‌ی‌ا‌ه‌ن‌ا‌ی‌ب‌ه‌ب‌ش‌ن‌ا‌ر‌گ‌ن‌آ‌ر‌د‌ه‌ک‌ت‌س‌ا‌ی‌ا‌ه‌ط‌ق‌ن‌ی‌گ‌ن‌ی‌ک‌ت‌،«ه‌ل‌ا‌چ‌ا‌ه‌ا‌ی‌س‌»ر‌د‌ خ‌ر‌د‌ا‌د‌ی‌و‌ر‌ق‌ف‌ا‌ی‌ا‌ر‌و‌ا‌ر‌ه‌چ‌ن‌آ‌م‌ی‌ن‌ا‌و‌ت‌ا‌ی‌م‌ن‌ا‌م—د‌ن‌ت‌ف‌ا‌ی‌م‌ر‌ا‌ک‌ز‌ا‌ک‌ی‌ز‌ی‌ف‌ی‌ن‌و‌ن‌ک‌ن‌ی‌ن‌ا‌و‌ق‌ م‌ی‌ن‌ک‌ی‌ن‌ی‌ب‌ا‌ش‌ی‌پ‌ا‌ی‌م‌ی‌ن‌ی‌ب‌ب‌د‌ه‌د‌ا‌ی‌م‌

ب‌ه‌ه‌م‌ی‌ن‌س‌ا‌ن‌،ت‌ک‌ی‌ن‌گ‌ی‌ف‌ن‌ا‌و‌ر‌ا‌ن‌ه‌ب‌ه‌م‌ن‌ز‌ل‌ه‌«ا‌ف‌ق‌ر‌و‌ی‌د‌ا‌د‌»د‌ر‌ت‌ا‌ر‌ی‌خ‌ت‌ل‌ق‌ی‌م‌ی‌ش‌و‌د‌:م‌ا‌م‌ی‌ت‌و‌ا‌ن‌ی‌م‌ت‌ا‌آن‌ن‌ق‌ط‌ه‌ ر‌و‌ن‌د‌ها‌را‌پ‌ی‌ش‌ب‌ی‌ن‌ی‌ک‌ن‌ی‌م‌،ا‌م‌ا‌ف‌ر‌ا‌ت‌ر‌ا‌ز‌آن‌،ا‌ی‌ن‌د‌ه‌ب‌ر‌ا‌ی‌ذ‌ه‌ن‌ها‌ی‌ا‌ن‌س‌ا‌ن‌ی‌ت‌ق‌و‌ی‌ت‌ن‌ش‌د‌ه‌م‌ب‌ه‌م‌م‌ی‌گ‌ر‌د‌د‌.

تاریخچه مختصر و اندیشمندان اصلی

دهه ۱۹۵۰—نخستین بذرها در آثار ریاضی‌دان جان فون نویمان (که از شتاب‌گیری تغییرات فناورانه سخن گفت) و ریاضی‌دان/رمزشناس آی. جی. گود (که در سال ۱۹۶۵، به محض آن‌که ماشین‌ها ماشین‌های بهتری طراحی کنند، «انفجار هوش» را توصیف کرد) پدیدار می‌شوند.

۱۹۹۳—ورنور وینچ، دانشمند علوم رایانه و نویسنده علمی‌تخیلی، در مقاله خود با عنوان «Singularity» Coming Technological Singularity این مفهوم معاصر را رواج داد. او پیش‌بینی کرد که ما در فاصله میان ۲۰۰۵ تا ۲۰۳۰ هوشی فرابشری خلق خواهیم کرد و پس از آن «عصر انسان» پایان خواهد یافت (به این معنا که انسان‌های بی‌کمک دیگر هوش غالب نخواهند بود).

۲۰۰۵—مخترع و آینده‌پژوه ری کورزوویل با کتاب خود «تکینگی نزدیک است» این ایده را به کانون توجه جریان اصلی می‌آورد. او استدلال می‌کند که تکینگی حدود سال ۲۰۴۵ فرا می‌رسد، به واسطه رشد نمایی توان محاسباتی (مطابق «قانون شتاب‌گیری بازده‌ها»ی او)، نانوفناوری، زیست‌فناوری و رابط‌های مغز-رایانه. او پیوسته بر این جدول زمانی پای فشارده است و به‌تازگی نیز AGI در ۲۰۲۹ و تکینگی در حدود ۲۰۴۵ را بار دیگر تأیید کرده است.

پیش‌بینی‌های خط زمانی (تا اوایل سال ۲۰۲۶)

افق‌های زمانی پیش‌بینی‌ها در چند سال اخیر، در پی پیشرفت بسیار سریع در مدل‌های زبانی بزرگ، سامانه‌های استدلالی و قوانین مقیاس‌گذاری، به‌طور محسوسی کوتاه شده‌اند: جسورانه‌ترین/کوتاه‌مدت‌ترین دیدگاه‌ها (۲۰۲۶-۲۰۲۷): برخی از رهبران برجسته هوش مصنوعی (برای نمونه، داریو آمودی از آنتروپیک، ایلان ماسک) به‌طور علنی اعلام کرده‌اند که ابرهوش یا چیزی که از حیث کارکرد معادل محرک تکینگی باشد، ممکن است حتی به زودی سال ۲۰۲۶ یا ظرف ۱ تا ۳ سال آینده فرا برسد.

میانه برآوردهای حاصل از نظرسنجی‌های خبرگان همچنان پیرامون سال‌های ۲۰۴۰ تا ۲۰۵۰ برای تحقق کامل ابرهوشمندی/تکینگی متمرکز است.

دو اردوگاه پیامدهای ممکن

- هنان‌ی‌باش‌وخ/یره‌شان‌ام‌رای‌ی‌اری‌مان، رقف و یرام‌ی‌ب‌ی‌ن‌ک‌اه‌ش‌یر، نی‌دای‌ن‌ب‌روف و > ی‌عون‌ص‌م‌ش‌وه‌اب‌رش‌ب‌م‌اغ‌دا، یک‌ش‌ز‌پ‌ون‌ان‌ای‌نه‌ذ‌ی‌را‌ذ‌گ‌راب‌ه‌ار‌زا‌رث‌ؤم
ه‌ق‌ی‌ق‌د‌ن‌چ‌فر‌ظ‌رد‌ی‌ذ‌پ‌ان‌ل‌ح‌رت‌اش‌ی‌پ‌ی‌م‌ل‌ع‌ل‌ئ‌اس‌م‌ل‌ح، (ی‌ی‌ار‌گ‌ان‌اس‌ن‌ار‌رف)

- هنان‌ی‌ب‌دب / یره‌شان‌اری‌وش‌وه) ی‌زارت‌ام‌هان، ی‌ناس‌ن‌ا‌ل‌رت‌ن‌ک/ت‌ی‌ل‌م‌اع‌ن‌اد‌ق‌ف >
(د‌ن‌ا‌ه‌ن‌ام‌ص‌خ‌ای‌وس‌م‌ه‌ری‌غ‌ی‌ناس‌ن‌ا‌ی‌ا‌ه‌ش‌ز‌را‌اب‌ه‌ک‌دری‌گ‌ای‌م‌ی‌پ‌ار‌ی‌ف‌اده‌ای‌عون‌ص‌م
ت‌ی‌رش‌ب‌ی‌ارب‌ی‌دو‌ج‌و‌ت‌ار‌ط‌اخ‌م‌ی‌ت‌ح‌ای، ی‌ع‌ام‌ت‌ح‌ا‌و‌ی‌دا‌ص‌ت‌ق‌ا‌ی‌ش‌اپ‌ور‌ف

تکینگی صرفاً «هوش مصنوعی بسیار پیشرفته» نیست؛ بلکه لحظه‌ای است که در آن تکامل فناوری از قیود زیستی و محدودیت‌های سرعت انسانی رهایی می‌یابد و به فرایندی خودمختار و مهارگسیخته بدل می‌شود. خواه این امر در ۲۰۲۶، ۲۰۳۰، ۲۰۴۵ رخ دهد یا هرگز رخ ندهد، در حال حاضر یکی از سرنوشت‌سازترین پرسش‌های گشوده در تاریخ بشر باقی می‌ماند.

وقت آخر - ۱۹۸۹

جهان شبکه‌ای آغاز می‌شود

گذار از رایانش منزوی به رایانش متصل. تیم برنرز-لی در سرن (۱۹۸۹) شبکه جهانی وب را پیشنهاد کرد. پژوهش تجاری شبکه‌های عصبی گسترش می‌یابد (کاربردهای نظامی + دانشگاهی)، اینتل ۸۰۴۸۶ عرضه می‌شود—توان رایانش شخصی جهش می‌کند، و آرپانت به سوی آنچه بعدها اینترنت مدرن شد، گذار می‌کند. پیش از این، رایانش نیرومند بود اما عمدتاً جزیره‌ای. پس از ۱۹۸۹، رایانش شبکه محور می‌شود. شبکه‌های عصبی در ۱۹۸۹ در مراحل آغازین بودند، به لحاظ سخت‌افزاری محدود بودند، و عمدتاً سامانه‌های الگوپایه تقویت‌شده با قواعد بودند—اما نهادهای نظامی و آزمایشگاه‌های پژوهشی از پیش سامانه‌های یادگیرنده را برای هدف‌گیری، هدایت و طبقه‌بندی سیگنال می‌آزمودند. این، لایه بنیادین همه آنچه بعداً آمد، بود.

پیام صورت‌بندی‌شده - ۱۹۹۶

انفجار تجاری اینترنت

وب عمومی، تجاری و جهانی شد. نت‌اسکیپ و جنگ مرورگرها؛ آمازون و ای‌بی‌اثبات کردند که بازرگانی برخط کار می‌کند. گوگل تأسیس شد (با نام BackRub در استنفورد، ۱۹۹۶)، و پذیرش ویندوز ۹۵ رایانش مصرفی را شتاب بخشید. سال ۱۹۹۶ زمانی بود که اینترنت از حالت دانشگاهی خارج شد و به پدیده‌ای اقتصادی بدل گشت. زیرساخت ۱۹۸۹ به مقیاس مصرف‌کننده رسید. دوران دات‌کام درباره وب‌سایت‌ها نبود، بلکه درباره دیجیتال‌سازی کسب‌وکار بود. این دوره بازرگانی، تبلیغات، کشف اطلاعات و الگوهای ارتباطی را دگرگون ساخت.

پیام قدرت‌یافته - 2001, 9/11

آغاز عصر موبایل + پلتفرم

دیجیتالی‌سازی رسانه‌ها + زیرساخت اولیه رایانش ابری + پهن‌بند همیشه‌متصل. اپل آی‌پاد را عرضه می‌کند (آغاز اکوسیستم دیجیتال قابل‌حمل)، ویکی‌پدیا راه‌اندازی می‌شود (الگوی سکوی دانش جمعی)، نرخ پذیرش پهن‌بند جهش می‌یابد، و آمازون بی‌سروصدا آغاز به ساختن چیزی می‌کند که به AWS بدل خواهد شد. پس از ۱۱ سپتامبر، فناوری‌های نظارتی به طرز چشمگیری شتاب می‌گیرند و زیرساخت تحلیل داده به سرعت رشد می‌کند. آغاز رایانش ابری، اکوسیستم‌های سکویی، چیرگی محتوای دیجیتال و زیرساخت همیشه‌متصل، و نیز زمینه‌سازی برای شبکه‌های اجتماعی و تلفن‌های هوشمند، در اینجا رقم می‌خورد.

بنیاد نهاده شد - الواح حقوق - ۲۰۱۲، ۲۰۱۳

گشایش شگرف یادگیری عمیق

پیدایش هوش مصنوعی مدرن

این همان نقطه عطفی است که در آن شبکه‌های عصبی از حالت صرفاً آزمایشی خارج شدند و به نیرویی نیرومند در عرصه عمل بدل گشتند—حلقه اتصال دقیق میان عصر «پلتفرم/ابر» ۲۰۰۱ و انفجار «هوش مصنوعی مولد» در ۲۰۲۳. سپتامبر ۲۰۱۲: الکسنت (یک شبکه عصبی پیچشی عمیق) با اختلافی عظیم برنده رقابت ImageNet شد—و همه الگوریتم‌های پیشین را به طور قاطع مغلوب کرد. همین رویداد واحد در پژوهش هوش مصنوعی به طور عام به منزله لحظه تولد یادگیری عمیق مدرن شناخته می‌شود. ۲۰۱۲: تیم جفری هینتن ثابت کرد که شبکه‌های عصبی عمیق، که بر روی GPUها آموزش می‌یابند، می‌توانند به طور خودکار ویژگی‌های سلسله‌مراتبی را بیاموزند. ۲۰۱۳: گوگل شرکت هینتن (DNNresearch) را خریداری کرد. صنعت ناگهان میلیاردها دلار به یادگیری عمیق سرازیر کرد. پیشرفت‌های GPU شرکت انویدیا (CUDA) به سخت‌افزار استاندارد برای هوش مصنوعی بدل شد. ابزارهای کلان‌داده (1.0) 1.0 که در ۲۰۱۳ منتشر شد نیز همگام با این روند به بلوغ رسیدند و امکان به کارگیری مجموعه‌داده‌های عظیم مورد نیاز یادگیری عمیق را فراهم ساختند.

گشودن مهرها - ۲۰۲۳

هوش مصنوعی مولد از آستانه درمی‌گذرد

هوش مصنوعی در دسترس، قابل استفاده، و از حیث اقتصادی اخلاص آفرین می‌شود. نه صرفاً «شبکه‌های عصبی بهتر». این همان لحظه‌ای است که هوش مصنوعی گد می‌نویسد، تصویر تولید می‌کند، کارهای اداری و حرفه‌ای غیر یدی را خودکار می‌سازد، وظایف استدلالی را در مقیاس گسترش می‌دهد، و برای نخستین بار، هوش مصنوعی از حالتی تخصصی بازمی‌ایستد و به ابزاری شناختی همه‌منظوره بدل می‌شود.

۲۰۲۶ - تکینگی؟

- ۱۹۸۹ به منزله برداشته شدن مهر از خود زمان پایان (آغاز اتصال شبکه‌ای، بنیانی برای جریان جهانی دانش؛ پیوندخورده با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به منزله نشان راه برای دوره نهای مهلت امتحانی ادونتیسیم).
- ۱۹۹۶ به منزله رسمی‌سازی پیام (وب تجاری اقتصاد اطلاعات را به مقیاس کلان می‌برد و بازرگانی و اکتشاف را رقمی می‌کند).
- سال ۲۰۰۱ به مثابه توانمندسازی پیام (سکوها، رایانش ابری و دسترسی دائم‌الاتصال، زیست‌بوم دیجیتال برای دانش جمعی و سیار را بنیان می‌گذارند).

• سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به منزله پی‌ریزی شالوده هوش حقیقی (بیشرفت جهشی یادگیری عمیق، فهم ماشینی را عملی و مقیاس‌پذیر می‌سازد).

• سال ۲۰۲۳ به منزله نقطه اوج گشوده‌شدن مَهرها (هوش مصنوعی مولد به ساحت شناخت عام‌منظوره گام می‌نهد و تولید دانش و استدلال را دسترس‌پذیر و برهم‌زننده می‌سازد).

ان بن‌ن‌ش‌ی‌پ‌ه‌ل‌ح‌ر‌م‌ر‌ب‌ی‌ت‌ش‌ا‌ب‌ن‌ا‌ی‌ا‌ه‌ن‌و‌گ‌ا‌ه‌ب‌ه‌ل‌ح‌ر‌م‌ر‌ه‌:‌ت‌س‌ا‌ه‌د‌ی‌ج‌ن‌س‌ر‌ی‌س‌ن‌ی‌ا
- یری‌ذ‌پ‌ا‌ل‌ا‌ص‌ت‌ا‌ز‌ا‌ و‌ د‌و‌ش‌ا‌ی‌م‌- یر‌ا‌س‌ا‌ی‌ر‌ا‌ج‌ت‌ > - م‌و‌ب‌ا‌ت‌س‌ی‌ز‌ > - یر‌د‌ن‌م‌ش‌و‌ه‌ > ت‌خ‌ا‌ن‌ش‌ >
د‌ن‌ک‌ا‌ی‌م‌ر‌ا‌ذ‌گ‌.

۲۰۱۲/۲۰۱۳ نقطه عطف حیاتی است؛ لحظه‌ای که شبکه‌های عصبی توانایی یادگیری سلسله‌مراتبی و خودکار را به اثبات رساندند (پیروزی الکسنت در ایمیچنت، اعتبار یافتن کار هیپنتون، و ممکن‌شدن مقیاس‌گذاری با GPUها)، که انفجار مولد ۲۰۲۳ را اجتناب‌ناپذیر کرد. بدون آن دگرگونی معماری ۲۰۱۲، نه مدل‌های ترنسفورمر (۲۰۱۷) و نه مقیاس‌گذاری عظیم به عمومیتی در سطح ChatGPT نمی‌انجامیدند.